



دانشگاه جامع علمی - کاربردی
مرکز آموزش علمی - کاربردی جامد اسلامی کارگران اصفهان

فَإِذَا مَرَأَكُمْ أَتَتْهُمْ بَهْرَانَ تَطْلُّتَتْ

کلک



وپرینامه فرهنگی و دانشجویی آنوف
سده سوم بهار ۱۴۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

امام جعفر صادق علیه السلام:

«مَنْ مَا تَمِنُكُمْ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»
هر کس از شما که در حال انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دنیا برآود همچون کسی است
که در خیمه و معیت آن حضرت در حال جهاد به سرمی برد.

بحار الانوار / ۵۲ / ۱۲۶

مقدمه

اول راه را با نام و یاد خداوند آغاز کردیم و این مسیر را با توکل بر نام اعظمش ادامه دادیم. برخی از مطالبی که در این نسخه از نشریه آفاق به چاپ رسیده است ادامه مباحث معرفتی گذشته و برخی دیگر برای نخستین مرتبه بیان شده است. لازم به ذکر است که از تلاش تمام صاحبنظران و متخصصان که در این راستا با ما همراه بوده‌اند کمال تشکر را داشته باشیم.

مثل غلام، مثل گدا، هر چه خواستی
یابن الحسن برای خدا هرچه خواستی
در دست خالی فقرا هر چه خواستی
دیگر فراهم است بیا هرچه خواستی
جان می‌دهم برای تو با هرچه خواستی
یا هرچه خواستم شده یا هر چه خواستی
دور ضریح کرب و بلا هرچه خواستی
در مرقد امام رضا هر چه خواستی

ما را بزن دوباره صدا هرچه خواستی
پُر کن دوباره کیل مرا «ایها العزیز»
آقا بریز «حین تصلی و تَقْتُّ» ت
دل را تکانده‌ایم از اغیار، پس بیا
من مهذیار تو شده‌ام مغض باریات
وقتی «بنفسی أنت» مرا می‌کنی قبول
چون مستجاب می‌شود آقا فرج بخواه
یادی بکن ز هر که نرفته به کربلا

رضادین پرور

شناخت

نشریه فرهنگی دانشجویی آفاق نسخه سوم بهار ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع علمی کاربردی جامعه اسلامی کارگران

مدیر مسؤول و سردبیر: الهام حقیقت مهر

هیئت تحریریه: زهره صفری - ریحانه امینی - آزو صفری - زهرا حاجیعلی - الهام حقیقت مهر

صفحه آرایی و امور فنی: زهرا روزبهانی

فهرست

- ۳ پانچ به شبهات مهدویت
- ۵ بدون تعارف
- ۷ هالیوود و مهدی سینزی
- ۹ نیمه پنهان
- ۱۱ داغ بر دل نشته
- ۱۲ شهری که تمام کوچه‌ها ایش به خدا تخت می‌شود
- ۱۳ باعشق شروع کنیم
- ۱۵ سالی که کذشت
- ۱۷ معرفی کتاب
- ۱۸ کرونا به ما یاد داد

پاسخ به شبهات مهدویت

بنابر لزوم شناخت مسائل معرفتی در دوران غیبت، پاسخگویی به چندین موضوع را در ادامه مباحثت گذشته ضروری دانستیم. که گزیده‌ای از این مباحثت به شرح ذیل می‌باشد.

هیچ دلیل عقلی بر وجود امام زمان (ع) نداریم؟

در ابتداء لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که اعتقاد به مصلح موعود جهانی در تمام ادیان یک اصل مسلم و قطعی است و هر یک از آن بیان گذشته، به پیروان خود از آمدن مصلحی غیبی خبر داده‌اند.^(۱) به طور کلی از دو طریق می‌توان وجود امام زمان را ثابت کرد:

۱. دلیل عقلی
۲. دلیل نقلی

الف) دلیل عقلی

و آن این‌که تا وقتی که تکلیف ثابت است و مکلفانی وجود دارند، عده‌ای هستند که مصون از خطا نیستند و باید امام معصوم و پیشوایی وجود داشته باشد تا آنها را هدایت کند، و زمین بدون انسان کامل مانند جسم بدون روح است به همین جهت حضرت علی^(۲) نیز فرموده‌اند: «زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد ماند و آن حجت الهی یا ظاهر است یا مشهور یا خائف است و مستور تا حجت‌ها و بینات الهی باطل نگردد».^(۳)

ب) دلیل نقلی

این دلیل رامی‌توان به دو صورت توضیح داد:

الف) روایات نبوی که امامان دوازده گانه را بانام‌های آنان به طور روشن معرفی کرده‌اند که به ذکر دو نمونه از لسان اهل سنت اشاره می‌کنیم. از ابن عباس روایت شده که شخصی یهودی به نام نعلث نزد رسول خدا آمد و سؤال‌های بسیاری را مطرح نمود و از اوصیاء نیهان پرسید، حضرت در پاسخ فرمود: «نخستین وصی من علی و پس ازا و حسن و حسین و امامان نه گانه و از فرزندان او می‌باشند». و نعلث پرسید نام آنها چیست؟ حضرت اسامی تک تک امامان را تا امام دوازدهم (حضرت مهدی^(ع)) شمرده‌اند.^(۴)

ب) شواهد تاریخی یعنی گزارش‌هایی که ولادت آن حضرت و ایام کودکی آن حضرت را نقل کرده‌اند. برای نمونه به بعضی از اقوال اهل سنت اشاره می‌کنیم.

۱ - حافظ سلیمان حنفی می‌گوید: «خبر معلوم نزد محققان و موثقان این است که ولادت قائم^(ع) در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا واقع شده است».^(۵)

۲ - خواجه محمد پارسا در کتاب فصل الخطاب گفته: «یکی از اهل بیت ابو محمد بن عسگری است که فرزندی جز ابوالقاسم که قائم و حجت و مهدی و صاحب الزمان نامیده می‌شود باقی نگذاشت و او در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد. مادرش نرجس نام دارد، او هنگام شهادت پدرش پنج سال داشت».^(۶)

۱ - آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰، ص ۵۱.

۲ - علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸.

۳ - همان ۸۳۶ .۲۸۳

۴ - شیخ سلیمان قندوزی، حنفی، یناییع الموده، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۸۵ ق.

۵ - همان مدرک



چرا امام زمان (عج) در برابر این همه فجایع و مفاسد، ناهنجاری‌ها و ظلم‌هایی که می‌شود، صدها سال سکوت اختیار کرده و کاری انجام نمی‌دهند؟ اگر مقصود این است که چرا حضرت (عج) ظهور نمی‌کند، باید گفت: هر وقت شرایط ظهور فراهم شود، ظهور خواهد کرد، فراوانی ظلم و ستم و مفاسد، تنها شرط ظهور حضرت (عج) نیست، ظهور حضرت (عج) شرایط دیگری نیز دارد، از جمله آمادگی عمومی و جهانی، اضطرار به وجود رهبری الهی و شرایط دیگری که هنوز حاصل نشده است، البته همان موقع که حضرت (عج) غیبت کردند، ظلم و ستم و مفاسد در جهان وجود داشته است، با اینکه ظلم و بی‌عدالتی حاکم بود، در عین حال غیبت واقع شد، چرا که مردم امام وقت را تنهای گذاشتند و به دفاع و حمایت از او برخواستند و تک تک آنها پس از دوران طولانی زجو اذیت و اسارت و ... به شهادت رسیدند.

پس همان چیزی که فلسفه غیبت در آن موقع بود، همان فلسفه هنوز هم به قوت خود باقی است، اما اگر مقصود این است که با اینکه حضرت در پشت پرده غیبت هستند، چرا جلوی این مفاسد و ناهنجاری‌ها را نمی‌گیرند؟ باید گفت که به خواست و اراده الهی و امتحان مردم، چنین چیزی تامدی ممکن نیست، پیامبران و امامان با اینکه ظاهرا و حاضر بودند، علیرغم مجاهدت‌های فراوان در عین حال نتوانستند جلوی همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بگیرند، اگر مقصود هم این باشد از طریق اعجاز و خرق عادت این کار را انجام دهنند که این هم خلاف حکمت خدا است و سنت الهی براین امر دایراست که کارها با روال طبیعی و با اسباب و عوامل طبیعی به پیش برود.

جوان امروزی در رشته‌های مختلف دانشگاهی با تخصص‌های مختلف مثل کامپیوتر سایبری، مکانیک الکترونیک و ... چه کاری برای امام زمانش می‌تواند انجام بدهد؟

دو نکته در این سوال است اول اینکه زمانی که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کنند، بر اساس تمام روایاتی که وجود دارد یاران حضرت مهدی از جوانان هستند یعنی خیلی از افراد در لشکر ایشان جوان هستند ایشان کشورداری و همه موارد را به دست جوانان می‌سپارند، دوم اینکه هر جوانی در هر رشته‌ای، فرقی نمی‌کند خیاط باشد، مکانیک باشد یا هر چیز دیگر، انگیزه‌اش این باشد که اگر امام زمان (عج) فردا روز تشریف آوردند من تخصص را در اختیار حکومت حضرت مهدی قرار بدهم. چنانچه ما در این دوران نیز می‌توانیم با همین کار مقدمه سازی ظهور را فراهم کنیم.

مخاطبینی که تمایل دارند در زمینه مهدویت و دوران غیبت و انتظار فرج اطلاعات دقیق‌تری کسب کنند، پیشنهاد ما این است که کتاب «انتظار عامیانه عالمانه عارفانه» استاد پناهیان را مطالعه نمایید که بسیار در کسب مطالب عمیق تر به شما کمک خواهد کرد.



مسابقات فرهنگی، بحث مربوط به کرسی آزاداندیشی، بحث‌های مربوط به نشريه‌های دانشجویی.

با توجه به اینکه تدریس هم می‌کنید، کدام کار برای شما لذت بخش‌تر است؟ تدریس یا ریاست؟

قطعاً تدریس. من از موقعی که لیسانس گرفتم گفتم که من دلم می‌خواهد که معلم بشم و از همان موقع تصمیم‌روم گرفتم و تمام تلاشم رو کردم که برم و به شغل معلمی مشغول بشم و واقعیت امر، مسئولیت‌های مختلف هست که درگیر شدیم، به خاطر این بوده که از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنیم و مسئولیت‌ها را به گردن دیگران نبیندازیم. از این باب بوده که بتوانیم به مسئولیتی که به عنوان یک فرد به عهده ما هست عمل بکنیم. ولی آنچه بهترین من هست و دلچسبه اینه که برم سرکلاسم، دانشکده و اونجا مشغول کار باشم.

دانشگاه چه قدر در جذب فارغ‌التحصیلان رشته‌های مربوط به خودش موفق بوده و بستری برای این کار فراهم کرده؟

با اینکه دانشگاه جامع علمی کاربردی در کل کشور ۱۳۰۰ واحد بوده، برای توسعه کیفی نزدیک ۶۰۰ تا از اینها بسته شده، و حدود ۶۰۰ و خورده ای مرکز باقی مانده یعنی نصف شده، ولی حدود ۱۵ درصد، دانشجو بیشتر شده، یعنی باید جمعیت دانشجو نصف می‌شد نه تنها نشده بلکه ۱۵ درصد اضافه شده. این نشان دهنده اینه که دانشگاه جامع مخاطب خودش روداره ولی بحث دیگه اینه که مراکز ما باید بنیه شان را قوی کنند، مراکز ما باید بروند به سمت وسیعی که نیازها را احصا

لطف کنید خودتون رو معرفی بفرمایید و یک بیوگرافی مختصری از خودتون بیان کنید؟

من بهزاد رضایی هستم، متولد ۱۳۴۴ در شیراز البته خانواده من اصفهانی هستند، که به دلیل شغل پدری شیراز بودیم و بعد به اصفهان برگشتیم. فارغ التحصیل رشته شیمی هستم، لیسانسم را سال ۱۳۶۶ گرفتم و فوق لیسانسم را سال ۱۳۶۹ و همان موقع بورس وزارت علوم بودم، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان شدم و مربی بودم و بعد، ادامه تحصیل دادم و سال ۱۳۷۶ دکتری گرفتم و از آن موقع تا الان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان هستم در دانشکده شیمی.

درباره فعالیت‌های فرهنگی و موفقیت‌هایی که در این زمینه کسب کردید صحبت کنید.

در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، من مدتری مدیر کل فرهنگی دانشگاه صنعتی اصفهان، دبیر فرهنگی منطقه ۶ کشور بودم و در زمینه نشريه‌های دانشجویی، تشکل‌های دانشجویی فعالیت‌هایی داشتم. چه در دوران دانشجویی که خودمان بودیم چه در دورانی که مسئولیت داشتیم و با بچه‌ها در ارتباط بودیم و به عنوان مسئولی که در اون حوزه کار می‌کرد در زمینه‌های مختلفی که دانشجوها و دانشگاه فعالیت‌های مختلف داشتند فعالیت‌هایی در این راستا انجام دادیم. البته من به طور خاص نمی‌تونم بگم چون در همه حوزه‌ها بوده چه حوزه‌های مختلف جشنواره‌های فرهنگی،

بکنند و پوشش بدهند. قطعاً اگر این نیازها رو پوشش بدهند طرفیت‌های زیادی وجود دارد. شما می‌دانید خیلی صندلی خالی مادر دانشگاه داریم، غیرانتفاعی، پیام نور، آزاد. در دانشگاه جامع هم داریم ولی می‌تونم بگم دانشگاه جامع باز هم به نسبت فعالیت‌های خوبی را داشته است.

به نظر شما چند درصد از فارغ التحصیلان علمی کاربردی توانستند در سطوح مختلف جامعه مباحث مختلف علمی نظری خودشان را به کار بگیرند؟ یا در بحث کار آفرینی یا تخصصی و شغلی؟

طبق نظرسنجی که خدمتمنون اعلام کردم، نظر ۷۰ درصد این بوده که ما این بحث‌هایی که مطالعه کردیم موثر بوده و مستقیماً با حوزه شغلی مرتبط بوده. مثلًا فرض کنید در خانه کارگر کاشان رشته مکانیک خودرو را داریم تمام اینها با سایپا قرارداده و نیروهایی که هستند میان و مستقیم می‌روند خط سایپا یعنی آموزش عملی می‌بینند. در دوره کرونا که ما مشکل مربوط به کلاس‌های عملی رو داشتیم تمام اینها با علاقه دنبال بودند که این کلاس‌ها حضوری برگزار بشه، بعضی جاها دانشجوها می‌گنند نه نمی‌خواهیم بیاییم ولی بر عکس بود البته نقاط ضعف زیادی هم توی بعضی از رشته‌ها وجود داره، سعی کردیم به سمت و سویی برمی‌کردیم که خود فرد احساس کند که این کلاس یا این آموزشی که ندیده خودش ضرر کرده و برای همین رشته‌ها چون مطابق با نیازها داره برنامه ریزی می‌شود قطعاً علاقه‌ها بیشتره. یه زمانی متأسفانه خیلی جاها فقط برای کار شغلی به مدرک نگاه می‌کردند، الان سازمان‌ها صحبت کردند که بیایید اگر فردی هم می‌خواهد ارتقا پیدا کند ببینید چه نیاز آموزشی دارید اون نیاز آموزشی رو ما تعریف بکنیم و بعد اون هم ارتقای شغلی شد. پس چرا باید یک رشته‌ای رو بخواند که مناسب با نیاز شما نباشه. بیایید تعریف کنید با شهرداری اصفهان تفاهم نامه امضا کردیم، داریم این کار را انجام می‌دهیم که آموزش‌ها حوزه مرکز شهرداری‌ها بره به سمت و سویی که خیلی وسعت زیادی هم داره آموزش‌ها در حوزه شهرداری. کارتخوان‌ها هستند، بحث فضای سبز، بحث شغل‌های خدماتی که توی شهربانها وجود دارند و آموزش‌های لازم در این حوزه‌های نیاز است.

ما یکی از بحث‌هایی که در دین داریم و همیشه به ما یاد داده اند، خدمت کردن به مردم و اینکه شما سعی بکنی افرادی رو بار بیاری که این افراد، افراد خود ساخته، خود باور و به نوعی انسان دوست باشند، این باور را اگر مایجاد کردیم خود دین باوری هم ایجاد می‌شود چون دین ما از ما چه می‌خواهد؟

س. مشکلات اقتصاد و مشکلات سیاسیه

در آخر توصیه‌ای برای دانشجویان بفرمایید.

یکی از چیزهایی که بدترین سم مهلک است برای نسل جوان ما نامیدی و عدم اعتماد هست. بنابراین پیشنهاد من برای جوان‌ها این است که درجا زدن و نامید شدن هیچ مشکلی رو حل نمی‌کنند بنابراین برای خودمون هم که شده سعی بکنیم که راه درست را انتخاب بکنیم.

HOLLYWOOD



هالیوود و مهدی ستیزی

۷۸٪ سینماها و تلویزیون های جهان از آن تغذیه می شوند. این در حالی است که در آمریکا بیش از ۶۰٪ پرفروش‌ترین فیلم‌های هالیوود در خصوص آخرالزمان است. یهودیان، مؤسسان اصلی سینمای هالیوود بوده اند و از آنجا که در غرب، بحث موعودگرایی در تمامی ابعاد، فوق العاده جدی است، به همین دلیل متفکران غربی بخش مهمی از افکارشان را صرف این مسئله می‌کنند. خرافه‌هایی از طرف صهیونیست‌ها به سینمای هالیوود راه یافته است؛ مانند افسانه آخرالزمان و پیش‌گویی‌های مربوط به آن که در محتوا و مضمون، فیلم‌هایی نظیر «نوسترآداموس»، «آرمگدون» و «روز استقلال» قابل مشاهده است. مهم‌ترین تأثیر این دسته از فیلم‌های خرافی، آن است که حس اعتماد به نفس را در مخاطبان جهان سومی نایبود می‌سازد و هم زمان، اعتماد و انقیاد نسبت به صاحبان اصلی را (که به زعم این فیلم‌ها آمریکاییان و یهودیان هستند)

ترویج می‌نماید. برخی موقع، هالیوود ارزش‌های اسلامی را به صورت ظریف، به نفع خودش مصادره می‌کند و از آن خود می‌داند. خرافه دیگری که صهیونیست‌ها آن را در قالب سینمایی مصادره به مطلوب کرده‌اند، مسئله ظهور منجی و سفر به سرزمین موعود است؛ اما منجی این قبیل فیلم‌ها آن منجی‌ای نیست که بشریت در انتظار اوست. در سال‌های اخیر و پس از آغاز هزاره سوم نیز تعداد زیادی از فیلم‌هایی که تولید می‌شوند یا باورهای آخرالزمانی صهیونیست‌ها را تبلیغ می‌کنند یا مردم را از موعودی دیگر می‌ترسانند؛ موعودی که به اذن خداوند، در مقابل تمامی جنگ، کشتار و خونریزی و به اصطلاح آرمگدون، صهیونیستی خواهد ایستاد. در فیلم‌های هالیوودی، به نوعی ضد مسیح را همان منجی مسلمانان نشان می‌دهند و دیگر آن که در برابر این

اهمیت مسئله ظهور و لزوم آمادگی فکری و عملی منتظران از جمله حقایقی است که بر هیچ شیوه منظری پوشیده نیست و نگاهی گذرا به عملکرد رسانه‌های جهانی در کشورهای غیرمسلمان، بیانگر جدی گرفتن خطر اعتقاد به منجی و تبلیغات وسیع تخریبی در جهت نفی و خرافاتی نشان دادن اعتقاد به منجی به طور عام و برنامه‌ریزی گسترده پیرامون مسئله مهدویت درجهت زدودن حس عمیق انتظار و مهدی ستیزی، به طور خاص است. در میان تولیدات پرخرج هالیوودی و محصولات پرجلوه و تماشایی آن دردهه‌های اخیر، بخشی به ساخت فیلم‌های آخرالزمانی اختصاص یافته و دست مایه تهیه کنندگان قرار گرفته که به دنبال فروش گیشه خود هستند و بدین منظور از جلوه‌های بصری و تکینک‌های پیشرفت‌ه سینمایی استفاده می‌کنند. بخش بزرگی از سرمایه گذاری مدیران صهیونیست هالیوود، با انگیزه‌های سیاسی، در اختیار سازندگان قرار می‌گیرد. این سرمایه‌گذاری‌ها به سفارش لابی یهود، بیشتر برای تولید محصولات جذاب ضد اسلامی و ضد تشیع هزینه می‌شود. با این توصیف، هیچگاه از هزینه‌های گراف برخی فیلم‌های هالیوودی متعجب نخواهیم شد. بحث مهدویت ستیزی در سینمای هالیوودی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد شدت گرفت. به این صورت که باور انتظار، هدف قرار می‌گیرد؛ نه بحث منجی آخرالزمانی که این مسئله بسیار مهم است از آنجا که بحث منجی آخرالزمان در همه ادیان تقریباً مشترک و انکار ناپذیر است، به جای انکار آن باور، انتظار آخرالزمانی «تورات» و «انجیل» در سینمای هالیوودی عرضه شد. هالیوود به عنوان مرکز فیلم ساری «آمریکا»، در سال، هفت‌صد فیلم تولید می‌کند و نزدیک به

شیطان می‌بایست یک ناجی را معرفی نماید. در فیلم‌های هالیوود، این نجات دهنده زمین که به نوعی پدر معنوی انسان‌ها نیز معرفی می‌شود، یک آمریکایی یا یک یهودی است. آمریکا با نشان دادن آینده تاریک و خونین بشر در فیلم‌های خود سعی دارد خود را منجی آینده بشریت معرفی کند. آنها می‌خواهند آخرالزمان را به این شکل به جهان نشان دهند که نبرد خیر و شر در جغرافیای خاصی از زمین به وقوع خواهد پیوست. برخی از فیلم‌های چالش برانگیز هالیوود در زمینه مهدویت، مانند فیلم ۳ پیشگویی‌های نوستر آداموس که بیست و شش سال پیش ساخته شده، تلاش می‌کند که دجال (ضدمسیح) را به عنوان کسی معرفی کند که از شرق اسلامی ظهرور کرده و پوشش اسلامی دارد و با سلاح اتمی به قصد نابودی جهان، به آمریکا می‌رود؛ ولی با درایت و مدیریت شخصی رئیس جمهور آمریکا نابود می‌شود. آرمگدون^۴ یکی دیگر از محصولات هالیوود است که به مسیح و منجی اشاره دارد. تکنسین‌ها و کمپانی‌های نفتی آمریکا به نجات زمین می‌آیند و کشورهای اسلامی در اوج عقب ماندگی، چشم انتظار کمک ایالات متحده هستند. از جمله فیلم هایی که اشاره به پایان دنیا و بحران آخرالزمان در جهان داشته، مجموعه فیلم‌هایی با نام آرمگدون می‌باشد که از سال ۱۹۳۲ تا ۲۰۰۵ میلادی ساخته شده‌اند و نشان دهنده فعالیت‌های صهیونیست‌های مسیحی و بنیادگرایی مسیحیت پروتستان بوده است. سینمای هالیوود به شیوه‌های زیر در صدد اسلام ستیزی و موعودستیزی برآمده است:

۱. نشان دادن یک آمریکایی یا یک یهودی به عنوان منجی آخرالزمان؛
۲. نشان دادن مسلمانان به عنوان ضدمسیح و ضدمنجی آنها؛
۳. القای غلبه نهایی تمدن غرب و منجی غربی و شکست حتمی مسلمانان اهربینی؛
۴. تهاجم فرهنگی و مقابله با مسلمانان، از طریق ترویج ارزشهای مادی گرایانه، مانند انحرافات جنسی، خشونت و جادوگری؛

۵. ترسیم ضدیت اسلام با تکنولوژی و پیشرفت؛
۶. جلوه دادن یهودیان و قوانین آنها در همه عرصه‌ها و تحقیر اسلام و مسیحیت. بی‌شک جهان غرب در صدد تحقیر و تخریب معنای آخرالزمان و آماده سازی اذهان عمومی برای پذیرش تفسیر غربی آخرالزمان از طریق سینماست. از طرفی بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت در تخریب فرهنگ مهدویت تأثیر به سزاگی داشته‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «بازی‌های رایانه‌ای به شوالیه‌های مجازی قدرتمند و جذاب ناتوی فرهنگی و جنگ صلیبی غرب تبدیل شده‌اند که در حال تخریب و تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجرهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام هستند. این شوالیه‌های رایانه‌ای در جنگ‌های صلیبی قرن جدید بدون هیچگونه حساسیتی، تا عمق خانه هاییمان نفوذ کرده‌اند و ما در بی‌خبری، با آغوش باز به استقبال آنها رفته‌ایم و هزینه‌هایی برای آنها می‌دهیم».

بعد از کنفرانس تلاویو^۶ (۱۳۶۵ ه. ش.) یک بازی رایانه‌ای به نام «یامهدی» ساخته شد که اسم اصلی اش - Persian Gulf In- ferno (جهنم خلیج فارس) است - کودک چنان شرطی می‌شود که با شنیدن الله اکبر و یامهدی تیراندازی می‌کند و بالأخره در روح کودک، بذر نفرت از این دو واژه کاشته می‌شود تا روزی استکبار بتواند از محصول آن فایده برد.

در مقابل فعالیت‌هایی که غرب در این زمینه انجام می‌دهد راهکارهایی هم وجود دارد برای ترویج و تفهیم فرهنگ مهدوی، که مواردی از آن را می‌توان اشاره کرد:

۱. تئوری پردازی در باره مهدویت
۲. شفاف ساختن جنبه‌های شخصیت و حکومت امام مهدی^(عج)
۳. رشد و اعتلای فرهنگ مهدویت و مفهوم انتظار
۴. توسعه فرهنگ مهدویت

۵. لزوم شناخت دشمن، تدارک و مهیا شدن برای مقابله و دفاع در برابر مهدی ستیزان
۶. ایجاد آگاهی و بیداری مسلمانان و شیعیان نسبت به حقیقت و ماهیت دشمنان اسلام و مهدی ستیزان
۷. معادباوری اندیشمندان و عمل گرایی خالصانه



مسکن را داشته باشد و مقطعي باشد اما عاقبی که به دنبالش هست، اشغال کردن فکر که به دنبالش هست، اضطرابها و استرس‌هایی که به دنبالش هست یا متناسب با آداب و رسومی که در مناطق مختلف وجود دارد آن حسی که برای انسان ایجاد می‌شود، انسان را به این نتیجه می‌رساند، که این رابطه دوستی نمی‌تواند یک رابطه بسیار عمیق باشد در جهت رفع نیازهای عاطفی. اگر ما بخواهیم واکاوی کنیم این زندگی و این رابطه را، این رابطه یا منجر به ازدواج خواهد شد یا اینکه این منجر به ازدواج خواهد شد و از این دو حالت خارج نیست، مگر اینکه یک قسمت سوم ایجاد شود که بحث استثنای هست که استثنای همیشه وجود دارد. اگر فرض کنیم دو نفر، دختر پسر در رابطه دوستی قرار گرفتن و بعد از چند سال به این نتیجه رسیدند که این رابطه را تبدیل به یک زندگی زناشویی کنند، به نظر شما چه اثراتی ممکنه بین دختر و پسر اتفاق بیافتد؟

اولین مطلبی که می‌شده بهش اشاره کرد این هست که این روحیه شکاک بودن نسبت به همدیگر در زندگی وجود خواهد داشت. ممکن است آقا از منزل بیرون برود ولی آن روحیه شک هنوز در دلش وجود داشته باشد، که این دختری که زمانی با من دوست بود آیا ممکن است با



دیگری هم در ارتباط باشد یا خیر. حتی این فکر هم انسان را اذیت می‌کند؛ لذا افکار مریض باعث می‌شود که انسان در زندگی که قرار است در کنار باهم با آرامش شکل بگیرد، اتفاق نیافتد و یک اضطراب و استرسی به وجود بیاید. فرض کنید دختری و پسری چند سال باهم دوست بودند رابطه دوستی شان به عنوان مثال دو سال سه سال طول کشیده بعد از سه سال به این نتیجه رسیدند که به درد یکدیگر نمی‌خورند برای بحث زناشویی و ازدواج، این رابطه را تمام می‌کنند و برهم می‌زنند و هر کدام یک شخص دیگری رو انتخاب می‌کند به عنوان همسر، تشکیل خانواده می‌دهد. آیا این سوال به ذهن انسان خطور می‌کند که اون رابطه دوستی که سابق داشتند در این زندگی که الان اتفاق افتاده اثر دارد یا ندارد؟

مقرر شد که در رابطه بانیازها و مسائل دو جنس مخالف به نام پسر و دختر یا آقا و خانم صحبت بکنیم. یکی از نیازهایی که طرفین یعنی دو جنس مخالف به نام پسر و دختر ممکن است که هم داشته باشند نیازهای عاطفی و نیازهای جنسی هست. لذا نیاز است که در این حوزه‌ها هم جلسات و کارگروه‌های مختلفی شکل بگیرد و با یک دید باز انسان برای برطرف کردن این نیازها ورود کند؛ انسان برای رفع نیاز حرکت می‌کند و ما باید برای رفع نیازمان در جهت صلح و سازش و اصلاح حرکت بکنیم. انسان نمی‌تواند برای رفع نیاز خودش دست به هر کاری بزند به عنوان مثال اگر انسان گرسنه شد حتماً حرکت می‌کند برای رفع گرسنگی اما این به معنای آن نیست که از هر غذایی از هر جایی استفاده کند برای آنکه رفع گرسنگی اتفاق بیوفتد، دقت می‌کند در نوع انتخاب غذا؛ همچنین تاریخ انقضا، کد بهداشتی، و تمام اینها را رصد می‌کند، برای اینکه هدفش این است که اگر قرار است رفع نیاز هم اتفاق بیفتند آن رفع

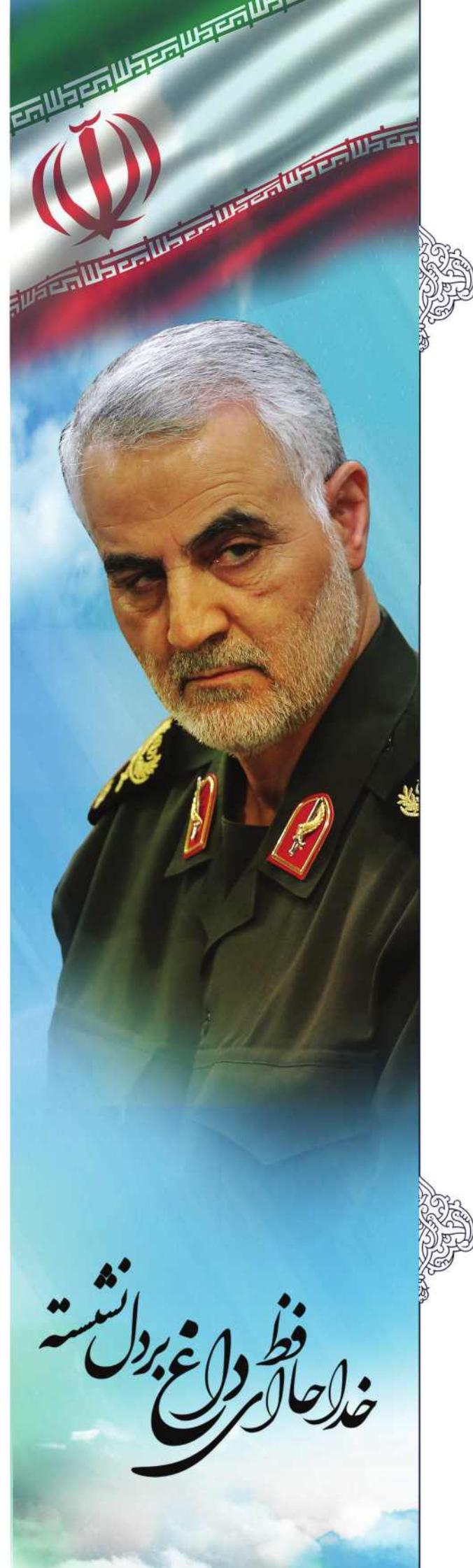
نیاز به بهترین شکل ممکن حاصل شود. در مباحث عاطفی و جنسی هم همین طور اگر انسان قرار است رفع نیازی از خودش انجام بدهد باید از طریقی که شرع مقدس یا اخلاق به انسان اجازه داده از این مناسبات استفاده بکنیم نه از هر طریقی. لازمه‌اش این هست که آثار و نتایج و اثراتی که در این روابط اتفاق می‌افتد را بررسی بکنیم و

بعد به این نتیجه برسیم که از بین این روابط و آنچه که شرع مقدس و خداوند متعال و روایات اشاره کرده است، کدام رابطه است که هم می‌تواند انسان را در لحظات مختلف، در زمان‌های مختلف و در حالات مختلف هم رفع نیاز بکند هم اینکه نیاز را به بهترین شکل ممکن برطرف سازد. یکی از روابط که به صورت عرفی درآمده، روابط دوستی است. سؤالی که می‌شده مطرح کرد این است که؛ آیا روابط دوستی بین دو جنس مخالف، مرد و زن می‌تواند نیازهای عاطفی و جنسی انسان را به طور کامل برطرف کند و اگر می‌تواند آیا بهترین راه ممکن است یا خیر. در دید اولیه ممکن است انسان بگوید مثلاً روابط دوستی بین دو جنس مخالف هم نیاز عاطفی را برطرف می‌کند هم نیاز جنسی را. خب ما به دنبال یک رابطه خیلی خوب هستیم این رابطه ممکن است حالت

است این است که در بحث روابط، عقلانیت حاکم باشد بر احساسات. انسان باید عقلانی فکر کند، انتخاب بکند و احساسی و عاشقانه زندگی بکند. آیا در روابط دوستی چیزی عاید من می‌شود؟ به صورت درست و شرعی و قانونی و منطقی؟ آیا لطماتی به طرف مقابله برخورد می‌کنے یا خیر؟ اگر انسان دوستش رو خیلی دوست داشته باشد به خودش اجازه نمی‌دهد که هر کار را انجام بدهد که آینده طرف مقابله دچار اشکال بشود، ولی در روابط دوستی پسرو دختر متأسفانه آینده دیگران را مادچار اشکال خواهیم کرد و این با یک اشاره شروع می‌شود. روابط دوستی زمان ندارد، مکان ندارد، به صورت آزاد حاصل می‌شود ولی زندگی زناشویی زمانمند و مکانمند است. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، این روابط ریشه‌هایی در برخی از امور دارند. آن چیزی که خانواده‌ها از آن غافل هستند و نیاز است که بدان توجه کنند، تربیت عاطفی در خانواده است آن هم به صورت خیلی عظیم که ببینیم این دختر و پسر شرایطشان در خانواده‌ای که زندگی می‌کنند به چه صورت است، وظیفه پدر و مادر خیلی سنگین است. لذا پدر مادر قبل از اینکه می‌خواهند صاحب فرزند بشوند باید تربیت نوع فرزند را یاد بگیرند. تربیت ارتباط با فرزندان را یاد بگیرند در این زمینه ما دچار اشکال هستیم، اینکه حضرت رسول اکرم^(ص) نسبت به حضرت فاطمه زهرا^س این همه محبت می‌کند دلیلش چی هست؟ به خاطر این است که جایگاه دختر مشخص بشود هم در خانواده هم در اجتماع، پس کوثر و خیر کثیر نام می‌برند. پدری که در خانواده زندگی می‌کند یک دختر یا چند تا دختر دارد اما ارتباط بین این پدر و دختر ایجاد نمی‌شود پدری که باید بعضی وقت‌ها با دختر خانمش تنها بی بروند پارک قدم بزنند، پدری که گاهی وقت‌ها با دختر خانم باید بروند خرید کنند، باید در خلوت باشند که این دختر خانوم حس بکند جنس مرد چیه؟ در وجود چی هست؟ که اگر علاوه‌ای خدای ناکرده از طرف کسی دیگه انتقال داده شد اون علاقه راحس کرده باشد اون علاقه را فهمیده باشد ولی متأسفانه می‌بینیم که پدرها و مادرها اینقدر که به هزینه جسم فرزندانشان اهمیت می‌دهند، به هزینه محبت و علاقه و تربیت این چنینی اهمیت نمی‌دهند. ممکنه یکی از دلایلی که باعث این رفتارها می‌شود در یک فضاهای خارج از منزل، همین علقه‌هایی که بین پدر و فرزندان ایجاد نشده و محبت‌های صوری و ظاهری که از طرف غیر پدر به این دختر خانم یا این آقا پسر انتقال داده می‌شود. یا اینکه یکی از دلایل دیگری که ما می‌توانیم ذکر بکنیم و اون هم بر می‌گردد به ریشه محبتی، طلاق‌هایی هست که ممکنه صورت گرفته باشه و این طلاق‌هایی که اتفاق افتاده اون فرزندان از وجود محبت غافل بودند، دور بودند و در وجود یک شخص دیگری دنبال این محبت هستند و ممکنه با یک اشاره، با یک کلام زیبا، با یک لبخند جذب دیگران بشوند. در حالی که وظیفه پدر و مادر در این زمینه بسیار زیاد است. از موارد دیگری که ما می‌توانیم اشاره بکنیم مسائل اقتصادی هم است.

در ماجراهایی که ایجاد شده و اتفاقاً کم هم نیست، می‌بینیم که موضوع قیاس وجود دارد؛ یعنی این زن قیاس می‌کند شوهر خودش را با رابطه دوستی که با یک پسر دیگری داشته، یا آقا قیاس می‌کند خانم خودش را با خانمی که قبلاً با ایشان در ارتباط بوده است. لذا فکر مریض ممکن است در زندگی زناشویی تأثیر خودش را بگذارد. بسیاری از روابط سردی که وجود دارد، که متأسفانه بعد از چند سال ختم به طلاق یا اصلاً فقط هم خانگی خواهد شد، ریشه‌اش به خاطر این است که در گذشته ممکنه اون عشقی که در آینده باید نسبت به یکدیگر داشته باشند به هدر رفته است. در خود کشورهایی که منشاء این رفتارها هستند، در این زمینه‌ها خود بزرگوارانشان آمده‌اند، مثلًاً خانم جینا لمبروزو در این رابطه می‌فرماید که ما را چه می‌شود یک گروه اقلیتی باعث بشوند که یک زندگی اکثیر دچار اشکال باشند؟ و بهترین روش این است که ما برگردیم به روابط خوب و مناسب که همان رابطه زناشویی هست. این راکسانی می‌گویند که در این جامعه‌ها زندگی می‌کنند. پس دلالت براین می‌کند که این رابطه نمی‌تواند رفع نیاز صدرصد مسائل عاطفی و جنسی رواز طرفین یعنی همان مرد و زن داشته باشد. یکی از مسائل دیگری که باید به آن دقت کنیم این هست که در روابط هم یک حقوقی وجود دارد هم یک مسئولیت‌هایی حتی در روابط دوستی هم، حقوق و مسئولیت وجود دارد. در رابطه دوستی بین دو جنس مخالف آیا اون حقوق و مسئولیت‌ها وجود دارد یا خیر، آیا غیر از علقه اثرات دیگری هم وجود دارد یا نه در روابط دوستی آیا من می‌توانم بگویم بدون من این کار را انجام نده، بدون اذن من اونجا نرو، اینجا بیا؟ نه، اگر به این روابط دقت کنیم می‌بینیم که حقوق و مسئولیت‌هایی که باید در روابط حاکم باشد، در این روابط وجود ندارد و یکی از مشکلات بسیار حاد هست، دختر و پسر فقط در کنار هم هستند آن هم برای رفع یک عاطفه زودگذر. حقوقی که در روابط زناشویی وجود دارد و قوانینی که حاکم هستند، آیا در روابط دوستی هم حاکم است؟ آیا من می‌توانم به طرف مقابل تحکم بکنم که باید طبق اعتقاد من پیش برومیم؟ طرف مقابل ممکنه ممانعت بکند یا بگوید تو حقی نداری نسبت به من، من مسئولیتی ندارم نسبت به شما. پس در روابط آزاد ما اگر بخواهیم از جهت حقوقی و قانون هم ورود بکنیم می‌بینیم که جای مقررات و قوانین خالی هستند در حالی که برای همه روابط ما قوانین خاصی را باید رعایت بکنیم و پاییند باشیم. لذا در روایات داریم که دفع خطر احتمالی عقلًاً واجب است. اگر انسان احتمال بدهد یک کاری را اگر انجام بدهد به ضررش تمام می‌شود، بهترین کار منع کار و انجام ندادن آن است. اگر دیگران را دیدیم که این روابط ورود کردند و منجر به بن بست شدن و منجر به ضرر در زندگی شدن بهترین کار عدم ورود در این روابط هست. بیشمار از این روابط و این پرونده‌ها اتفاق می‌افتد، اطراف ما هستند، ممکن است در سیستم دانشگاه‌ها حاصل بشود در غیردانشگاه‌ها حاصل بشود در جاهای دیگر اتفاق بیافتد؛ آنچه که مهم

آن شب جمیعه با خیال راحت چشم از ستاره و ماه گرفتم تا در
 بسترم آسوده بخوابم. آمدن خورشید هم امیدی بود که به
 صبح وصل می شد. چشم که باز کردم سحر بود و آب خنک و
 دوگانهای بین من و پروردگارم! باورم این بود که امروز مثل
 همیشه همین است و بس! دنیا یک دوست دارد که محب
 علی و آلس است؛ یک دشمن که بغض علی و آل علی را دارد.
 جنگ بین حق و باطل، حزب الله و شیطان همیشه بوده و
 هست و خواهد بود! یاران حزب الله عادت دارند بیدار باشند تا
 همه به آسودگی بخوابند. من هم شب را راحت خوابیده بودم،
 چون خیالم آسوده بود که سردار حق بیدار است که حاج قاسم
 را دارم و او چشمان تیزش به دشمن است، ما هم، لبخند برلب
 زندگی می کنیم. عکسش را با افتخار بر دیوار خانه زده بودم؛
 حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس! جوان بود، جنگ
 ۴۱ شد، به امام خمینی لبیک گفت. پرچم گردان، تیپ، لشکر
 ثار الله را بلند کرد و تا امروز هم هیچ چیز نتوانست او را زمین
 بزند. شد فرمانده سپاه قدس، با این حکم، مرزها را
 در نور دید... فلسطین بود، سوریه بود، لبنان و یمن و عراق...
 هرجا که باید، بود تا امنیت ما باشد و بود و نبودمان تأمین
 شود! تا آن سحر جمیعه مثل همیشه، بعد از دوگانه بندگی،
 قصد داشتم بروم برای ندبه خوانی. از همه جا بی خبر، از آقاییم
 بی خبر... چه می دانستم از شب گذشته مولایم حجت بن
 الحسن رخت سیاه بر تن، داغدار سردار سپاه شده است. خبر
 نداشتیم آقاییم دوباره در سوگ نشسته و دیگر حاج قاسمی ندارد
 تا در سراسر دنیا برای او پرچمی بلند کند... طبلها به صدا
 درآمده بود در دنیا، که کفناهارها سردارمان را تکه کرده اند.
 دستش جدا بود، پایش جدا بود، بدنش سوخته بود... سردار،
 سرش را داده بود اما امامش را نگه داشته بود. دستش را داده
 بود اما پرچم ایران و اسلام را نینداخته بود، تکه تکه شده بود
 اما نگذاشته بود سرزمین های اسلامی را تکه کنند. دنیا
 یک جسم دارد، یک روح. کارها را ظاهرًا اجسام می کنند و در
 اصل روح های مقاوم! همراهان ابليس سردارمان را ظاهرًا
 گرفتند اما روح سردار یک انقلاب انداخت میان روح های خفته،
 کاری کرد معجزه وار. به قول مقام معظم رهبری مدظله العالی: « حاج
 قاسم را یک فرد نباید دید، او یک مکتب است، یک مدرسه،
 یک راه است. او رزمندای بدون مرز است. او بلاگردان
 مقدسات است! »





وَبِيَّنَاتٍ مِّنْ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ
الَّتِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُنَّا لِلتَّائِبِ

رمضان
در دری
هـ ۱۴۴۷

و این ماه رمضان است همان ماهی که
قرآن را در آن فروفرستادی، آن قرآن
که راهنمای مردم و شانه روشنی از هدایت
و جدا ساختن (میان حق و باطل) است.
مفتيح الجنان

شهری که تمام
کوچه پس کوچه هایش به خود
خدا منتهی می شود

مهمان بزرگان شدن، بزرگی می آورد!

اگر میزبان نیازی به مهمان و مهمانی دادن
نداشته باشد و مهمانی در معنا و مقام
حقیقی خود تحقق پیدا کرده باشد، انگیزه
میزبان برای دعوت و پذیرایی جز اکرام
مهمان نخواهد بود؛ و هرچه میزبان بی نیازتر
باشد، مهمانی، از محبت و کرامت بسیار
بالای او بیشتر حکایت می کند.

اگر میزبان بزرگ و والا مقام باشد و مهمانان
بسیار کوچک تراز او باشند، مهمانی هنگامه
فروتنی و تواضع میزبان است. لحظه فروود
آمدن میزبان بلندمرتبه در برابر مهمانان،
صحنه ای به یاد ماندنی و دوست داشتنی
است. مهمان بزرگان شدن، بزرگی می آورد و
حقارت ها را از روح انسان بیرون می کند. همان
احساس حقارتی که مایه همه اسارت هاست.
رفع غربت، برطرف شدن تنها یی و گشایش
دلگرفتگی ها، از کمترین نتایج یک مهمانی
است....



باعشق شروع کنیم . . .



فریبا یوسفی

سرکار خانم فریبا یوسفی، کارشناسی مدیریت جهانگردی، کارشناسی ارشد برنامه ریزی توریسم و دکتری برنامه ریزی شهری به عنوان کارآفرین برتر کشوری در حوزه دانشگاهی و دانش آموخته رشتۀ گردشگری شناخته می‌شوند.

این چه کاریه؟ از تو بعیده؟!... در هر حال این اتفاق افتاد که من به جای اینکه به این موضوع فکر کنم که جلوی ضرر را هر موقع بگیریم منفعته از یه جایی به بعد و یه زمانی که اوج بحران‌های متفاوتی بود، گفتمن من یا راهی رو شروع نمی‌کنم یا شروع کردم تا انتهای میرم و هنر من اینه که در مقابل حرف‌های دیگران کوتاه نیام و تحت تأثیر قرار نگیرم و آستین همت بالا بزنیم و یادمه که اون موقع چند پروژه بزرگ بود که باید کلید می‌زدیم، تو اوج بحران هم بودیم و دست تنها...

البته منظورم از دست تنها این نیست که نیروی خوب نداشتم من واقعاً از کارمندایی که زیر مجموعه ما بودن حمایت می‌کنم، دوستشون دارم و قبولشون دارم هرچه قدر که می‌تونستن پشت ما قرار گرفتن ولی ما معطل بزرگمون در سیستم‌های کارآفرین اینه که احتیاج به یک نیروی قوی داریم که خودش اهرمی باشه برای اجرا و خب متأسفانه نیروهای ما معمولاً اهرم نیستند، برای اجرا فقط تا لحظه اجرا پشتتون باشن در لحظه اجرا باز باید خودتون وارد بشید و من واقعاً احساس تنها می‌کرم اما همکارانی داشتم که کمک کردن مشاوران خیلی خوبی داشتم که سال‌های سال پروژه های بزرگ کشورهای دیگر را کلید زده بودن و ازشون کمک گرفتیم و اونجا بود که من احساس کردم خدا همیشه اون دست نامرئی کمک کنندش وجود داره و جداً می‌گم، من به این جمله ایمان دارم که خدا می‌گه: «از تو حرکت از من برکت».

در مصاحبه‌ای که با این بزرگوار انجام گرفت، ایشان در ارتباط با نقش خداوند در شروع و ادامه کارآفرینی خود اینگونه نقل می‌کنند که: به طور کلی من انسانی هستم که خدا را در هر لحظه از زندگیم می‌بینم، چون اتفاقات عجیب و غریبی در زندگی اطرافیانم افتاده که باعث شده که من خدا رو خیلی نزدیک به خودم احساس بکنم و می‌دانید هر انسانی حتی افرادی که به خدا اعتقاد زیادی ندارن در دورانی که تحت فشار و تنگنا قرار می‌گیرن به شدت به یاد یه قدرت ماوراء می‌افتد که من اسمش رو می‌ذارم "خدا".

من از لحظه‌ای که وارد این سیستم شدم گاهی مغور می‌شدم به خاطر اینکه جزء محدود دانش آموختگانی بودم که سابقه کار خیلی زیادی در رشته‌های دیگه داشتم؛ ارتباط خیلی وسیعی در مجامع ملی و بین‌المللی داشتم و این باعث می‌شد احساس غرور بکنم که من قطعاً موقم. ولی متأسفانه یا خوشبختانه شما وقتی وارد جریان کار می‌شی می‌فهمی که اونجوری که فکر می‌کردی نیست، جایی باید دائم هزینه کنید ولی ممکنه درآمد وجود نداشته باشه یا جایی که انتظار دارید صد درصد درآمد داشته باشید ولی درآمدی پیش نمی‌یاد یا اتفاقات بیرونی که کارشما رو تحت تأثیر قرار می‌دهند زیاد هستند. یک دفعه به خودتون می‌ایین که نکنه من راه رو اشتباه انتخاب کردم نکنه مسیری که فکر می‌کرم تا الان درسته یه مسیریه که کاملاً اشتباهه و متأسفانه اطرافیان ما تو جامعه ایران افرادی هستند که به کارآفرینان این جمله رو گفتن که:

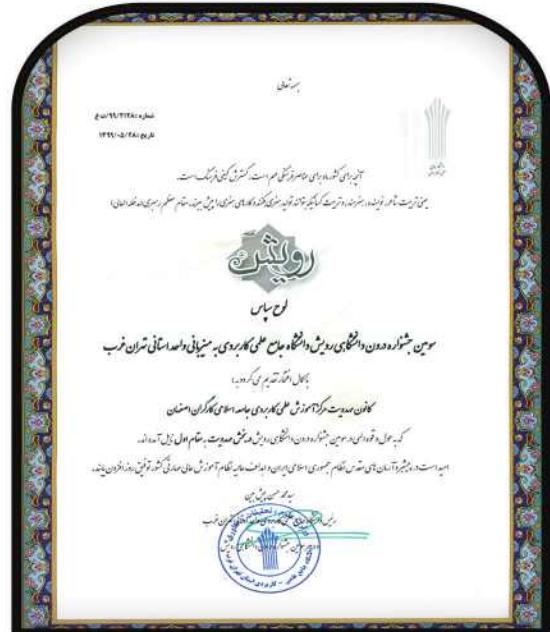
اما این فقط یه جمله است و به هر حال یه نفرهم که تصادف می‌کنه اگه نمرده باشه میگن که بالاخره با فیزیوتراپی این قسمت از بدنش را احیا کنیم با عمل این قسمت از بدن را درمان می‌کنیم حتی برای اون فرد هم پزشکا همه تلاششون را می‌کنند. به نظر من الان در شرایطی قرار داریم که مثل فنر فشرده هستیم کرونا تمو بشه یا کمنگ بشه این فنر با قدرت هرچه تمام‌تر رها میشه به سمت روشنی و آدم‌هایی موفق هستند که توی این مسیر برنامه درست و جامع و مشخصی داشته باشد من واقعاً توصیه می‌کنم که بربیم به سمتی که خلاء‌هایی که وجود داره را به درستی پاسخ بدیم، تولید محتوای مناسب داشته باشیم، مناطق کمتر شناخته شده است را با نام خودمون بشناسانیم به افراد و معرفی بکنیم و سعی بکنیم مطالعاتمان را زیاد کنیم من متأسفم از اینکه بچه‌ها می‌بینم فقط اینستاگرام می‌چرخدند یه چیزایی را خیلی سطحی می‌بینند و تمام میشه، پس کتاب چی میشه؟ نشریه چی میشه؟ تحقیق و پژوهش چی میشه؟ ...

من واقعاً دیدم که حتی اون اول کار که پول‌های کوچک می‌آمد چنان برکتی داشت که من گفتم چه جوریه که این پوله تمام نمی‌شه خرج چند تا کار شده باز یه مقداری هست چون وقتی آدم بخواد کسب روزی حلال بکنه و بخواه واقعاً کار بکنه واقعاً خدا کمک می‌کنه به نظر من خدا حتی به اونایی هم که به این جملات اعتقاد ندارند کمک می‌کنه چه برسه کسی که واقعاً این جریان رو قبول داشته باشه ولی به جد می‌گم که شاید کارآفرین‌ها یه جور دیگه ای خدا را قبول دارن چون جنس مشکلاتشون یه جور دیگه ایه و زمانی که خدا کمکشون می‌کنه یه جور دیگه خدا را تو زندگیشون حس می‌کنن.

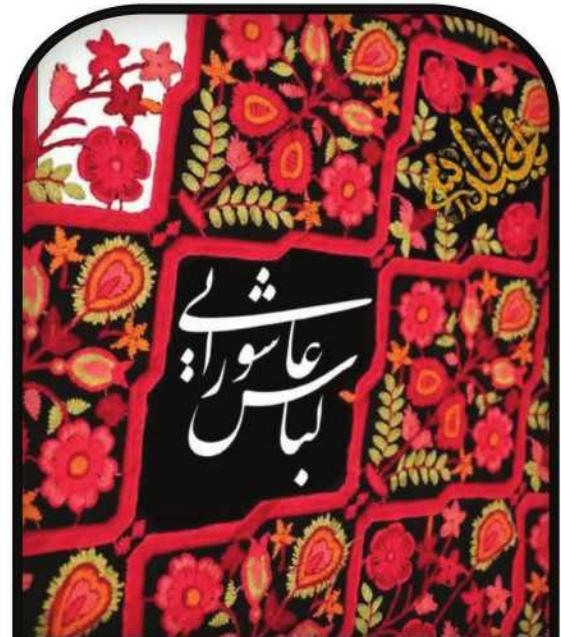
و توصیه‌ای که برای مخاطبین داشتند این بود که: یک جمله‌ای رو من در کرونا خیلی شنیدم که من را واقعاً متأثر می‌کنه و ناراحتم می‌کنه اونم اینکه دیگه مگه گردشگری فایده‌ای داره؟ کرونا گردشگری را نابود کرد. من اصلاً اعتقادی به این داستان ندارم قطعاً کرونا روی گردشگری تأثیر منفی داشت، قطعاً خیلی از بخش‌های گردشگری نابود شد.



کسب مقام اول کشوری در
سومین جشنواره دانشگاهی رویش
توسط کانون مهدویت
مرکز علمی کاربری جامعه اسلامی کارگران

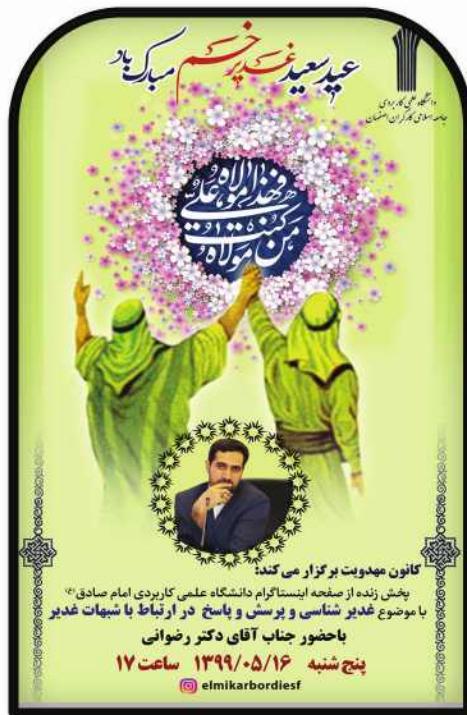


برگزاری نخستین رویداد و جشنواره لباس
عاشورایی و کسب مقام در بخش لباس آقایان
به ترتیب توسط سرکار خانم سارا میزبانی و
فروغ باغبانی و نجمه جباری.
و همچنین کسب مقام در بخش لباس بانوان
به ترتیب توسط سرکار خانم فرشته یعقوبی
و پریا آتش پنجه و مریم رشادی نژاد



کسب رتبه برتر
رشته معرق و منبت در
شانزدهمین جشنواره قرآن و عترت
توسط سرکار خانم الهه صمیمی





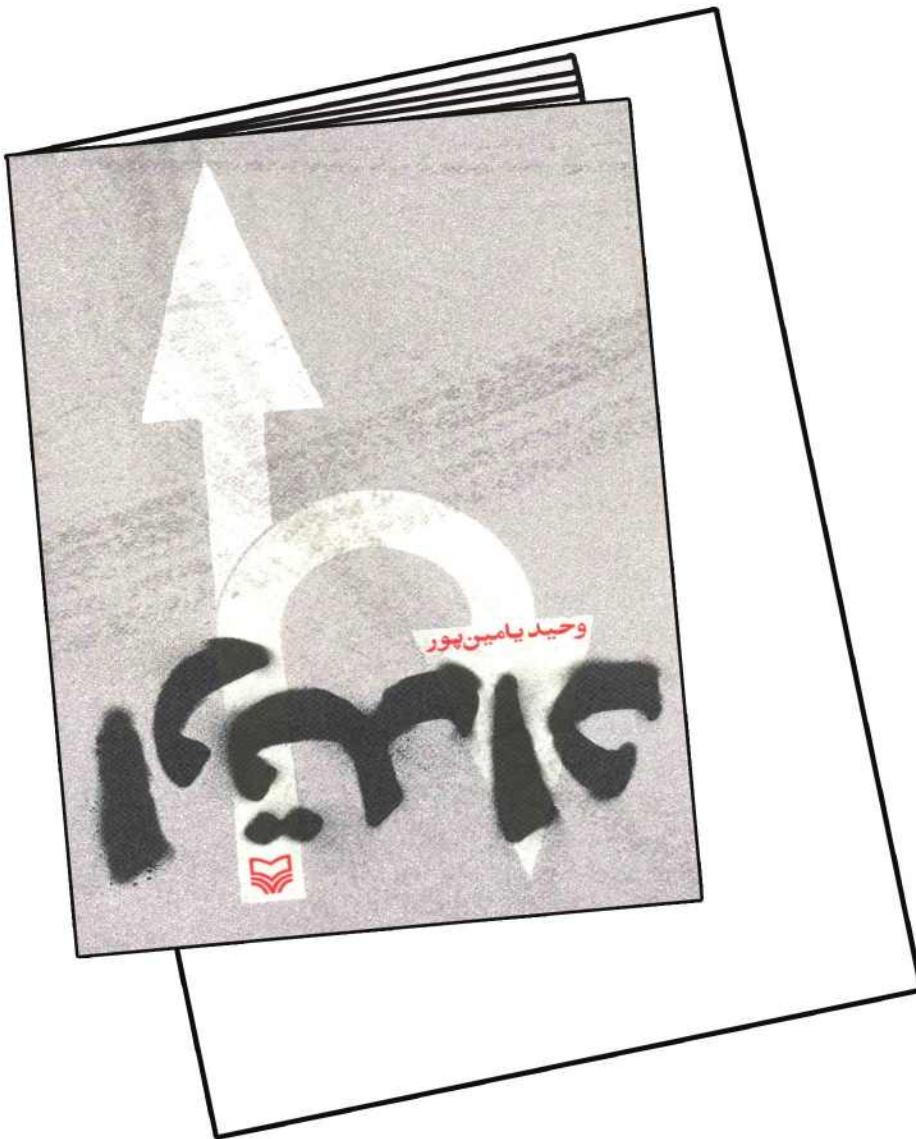
برگزاری لایو پاسخ‌گویی به شباهات به مناسبت عید سعید غدیر خم



شروع به فعالیت کارگاه کارآفرینی تولید ماسک و کارگاه کارآفرینی تولید پوشک



اجرای طرح رزمايش همدلي و توزيع بسته هاي ارزاق در ميان اقشار نيازمند جامعه



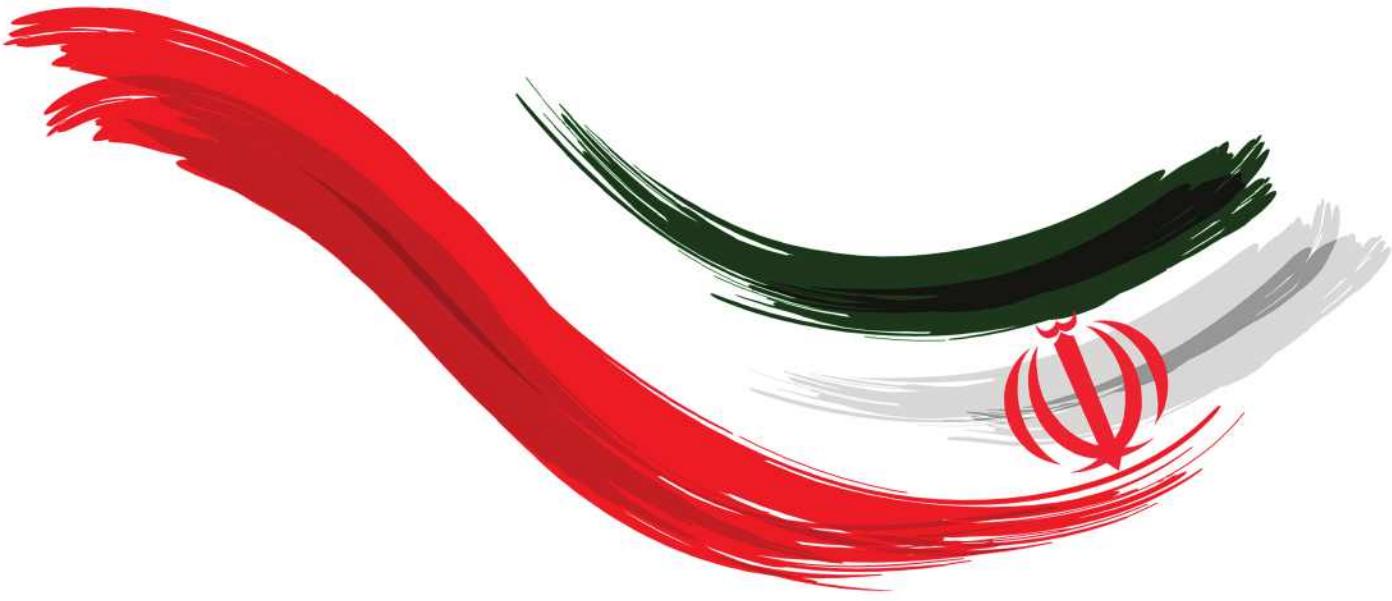
«معرفی کتاب»

«ارتداد»؛ غیرقابل تصور اما هیجان‌انگیز!

نویسنده کتاب: **وحید یامین پور**

راوی قصه، مرد عاشقی است که عاشقانه‌های زندگی‌اش در دل این تاریخ معکوس رقم می‌خورد و حالا در جایی از تاریخ ایستاده که هیچ‌گاه رخ نداده اما به ما نهیب می‌زند که ممکن بود امروز در جایی شبیه آنجا که او قرار گرفته، ایستاده بودیم.

«ارتداد» کتاب شک است. شک در یک لحظه تاریخی. در زمانی که همه چیز باید به خوبی پیش برود و نمی‌رود. نویسنده در «ارتداد» شک می‌کند، درست در جایی که نباید شک کرد. درست در جایی که باید به «یقین» میدان داد و مسیر تاریخ را ساخت. «ارتداد» اما خلاف مسیر تاریخ حرکت می‌کند وارد سرزمینی می‌شود که هیچ کس به آن پانگذاشته. سرزمین یک خیال وهم آلود، یک شوک، که پدر شک است. «ارتداد» با یک ایده بی نظیر، شروعی طوفانی دارد و نوید یک رمان ماندگار را به مخاطبیش می‌دهد. اگرچه در انتهای نه به مرزهای «رمان» نزدیک می‌شود و نه می‌توان روی ماندگاری‌اش حساب کرد، اما تجربه‌ای خواندنی و ارزشمند در ادبیات داستانی ایران است.



کرونا به ما یاد داد...

حدود یک سالی است در کنار کرونا زندگی می‌کنیم، روزگاری که گذشت و اکنون نیز می‌گذرد اما در کنار کرونا چیزهایی یاد گرفتیم که تا چندی پیش، به آن توجهی نمی‌کردیم.

کرونا به ما یاد داد که:

- شاکر نعمت‌هایی باشیم که در صورت بودنشان ناسیپاسی می‌کنیم و از تمام جهان گله‌مند هستیم و در صورت نبودنشان نیازمند می‌شویم؛ نعمت‌هایی چون سلامتی، خانواده و روابط خانوادگی، امنیت جانی در جامعه، آداب و رسومی که حتی خیلی‌ها با بودنشان احساس خوشبختی نمی‌کردند.

- برای شاد بودن و شاد ماندن تنها کافی است خودمان بخواهیم که آن هنگام، در خانه ماندن هم برای مالذت بخش می‌شود.

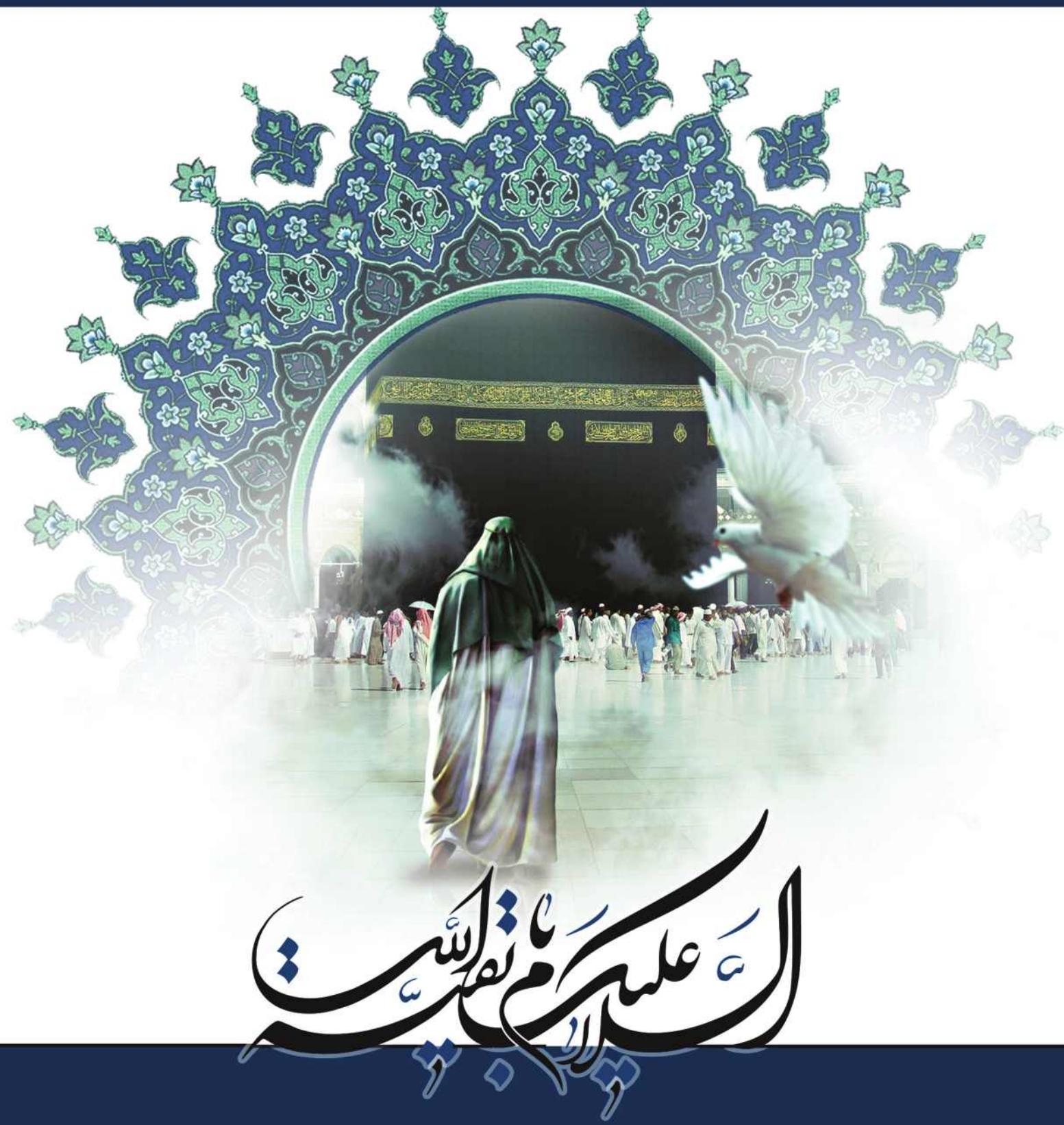
- آلوده بودن یک نفر در جامعه چقدر می‌تواند برای آن جامعه گران تمام شود و این آلودگی به تمام افراد آن جامعه مرتبط می‌شود نه فقط به همان شخص.

- در مقابل پروردگار خود عبد باشیم، مفهومی که در این چندی از روزگار فراموش کرده‌ایم را یادآور شد.

- ایثار و جهاد و انسانیت و توکل، از جمله صفاتی است که آدمی را از بحرانی‌ترین اوضاع نجات می‌دهد و مردم را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد.

به_یاری_خدا_کرونا_را_شکست_می_دهیم

همه_با_هم



لَهُ عَلَيْكُمُ الْحُسْنَى
مَدْحُود

شید مرتضی آوینی:

بابهاران روزی نومی رسد و ما هم چنان پشم براه روزگاری نو...

اکون که جهان و جهانیان مرده اند...

آیا وقت آن نرسیده است که میخایی موعود سر رسد؟ و میخی الارض بعد موتها